

عزلت سپیدرود در فراموشخانه لیگ دو

تیمی با نداشتن‌های بسیار

فرد واجد شرایط دیگری برای اداره یکی از محبوب‌ترین تیم‌های فوتبال ایران وجود ندارد و در قرارداد آمده بود که بیات باید یک میلیارد تومان از چک‌های کریمی را پرداخت کند و در صورت واگذاری به نفر بعدی باید دو میلیارد تومان دیگر هم به کریمی پرداخت شود.

تیمی که در نهایت به لیگ یک سقوط کرد با بیش از ۶ میلیارد تومان بدهی و ۳ میلیارد هم تعهد به کریمی سرجهازی اش شده بود بدون شک هر خریدار عاقلی را فراری می‌داد و این وسط سود اصلی را کیومرث بیات



می‌کرد که بدون پرداخت دیناری مالک تمام و کمال تیمی شده بود که تا همین چند سال پیش حضور در تمرینات این تیم برایش آرزویی محال بود.

بیات که مطمئن بود با این قرارداد کسی یارای در اختیار گرفتن سپیدرود را نخواهد داشت شروع کرد به تکه تکه کردن بخش‌های مختلف تیم ریشه دار شهر رشت و امیدها را به یکی داد و نوجوانان را به دیگری و در نهایت حکم مدیرعاملی را به نام مسعود حیدری زد و در مدت کوتاهی همان حکم را به نام ناظمی صادر کرد با این تعهد که تمام هزینه‌ها برعهده شما خواهد بود!

تمام این اتفاقات در حالی رقم خورد که درست چند روز پس از سقوط سپیدرود از لیگ برتر در بهار سال ۹۸ وی با انتشار نامه‌ای کتبی به مدیرکل ورزش و جوانان گیلان از مالکیت استعفا داد و چند ماه بعد هم نامه‌ای با همان مضمون به رییس سازمان لیگ فرستاد و آنجا هم از تمام مسؤولیت‌های مالکیت شانه خالی کرده بود اما بازهم در پایان فصل گذشته حکم عزل مدیرعاملی ناظمی را صادر کرد و این در حالی بود که علاوه بر استعفاهایش، پروانه مالکیتی که برایش صادر شده بود از اسفند سال ۹۸ پایان یافته و خود او صلاحیت صدور چنین حکمی را نداشت.

سقوط‌های مدیریتی

چنین فردی با عملکرد مدیریتی پر حرف و حدیث در ۳ سال گذشته یکی از عوامل اصلی مشکلات سپیدرود بوده و با مصاحبه‌های پرجلط وعده‌های غیرقابل اجرا که نتیجه‌ای جز ضربه زدن به برند سپیدرود نداشت با ثبت دو سقوط پیاپی از لیگ برتر به دست دوم به عنوان مالک، بدون تردید تبدیل به یکی از بزرگ‌ترین دشمنان تاریخ ۵۳‌ساله سپیدرود شده است.

مالکی که هر گز ساده‌ترین و پیش پا افتاده‌ترین اصول مدیریتی را رعایت نکرده و با سرخه گرفتن پیشینه قدیمی‌ترین باشگاه گیلان زمین در مصاحبه‌ای حضور این تیم را در لیگ برتر اشتباه دانسته بود و به جای حل مشکلات تیمش به سان یک مدیربرنامه تمام ۲ فصل گذشته را در به در دنبال گرفتن حق انتقال محمد بلبلی بود و برای فهمیدن اوج فاجعه

معاون حقوقی باشگاه سپیدرود:

تخلف فولاد و استقلال در پرونده بلبلی آشکار است

که باشگاه فولاد خوزستان تا به امروز داشته است!

عزیزی فرد عنوان کرد: اما این باشگاه در خصوص ضرری که به باشگاه کهن و مردمی سپیدرود رشت وارد کرده، امروز مجازات این عمل نکوهیده



و غیر حرفه‌ای را تحمل می‌کند. تاکید دارم در خصوص حقوق مادی و معنوی و شان و جایگاه ۵۳ ساله باشگاه برطرفدار سپیدرود رشت با هیچ باشگاه یا بازیکنی مماشات نمی‌کنیم و برای احقاق حقوق این باشگاه تمامی ابزارهای قانونی را بدون هیچ درنگی اعمال خواهیم کرد.

معاون حقوقی باشگاه سپیدرود در خصوص فسخ‌های یک طرفه بازیکنان و تحرکات بعضی از مربیان و ایجنت‌های ورزشی در و سوسه کردن بازیکنان تیم اظهار داشت: گویا به تازگی تعدادی از باشگاه‌های لیگ ۱ و لیگ ۲ با تحرکات غیرحرفه‌ای و تطمیع برخی از ایجنت‌هایی که به دنبال

{ورزش}

کافی است بدانید که تمام هزینه‌ای که به گفته خودش برای سپیدرود کرده حدود ۹ میلیون تومان بود که تازه این رقم را در راه شکایت از بلبلی پرداخت کرده است.

شما را به تمام مقدمات تان یکی به ما بگوید که این خیل عظیم هیأت فوتبال، اداره کل ورزش، نماینده‌های مجلس، اعضای شورا و شهردار، فرماندار و استاندار و سایرین به کدام مسؤولیت اجتماعی شان در قبال یکی از پرهوادارترین تیم‌های فوتبال ایران عمل کردند وقتی که این تیم در بین مالکانی که بیشترشان از پس اداره یک دکه هم بر نمی‌آمدند دست به دست می‌شد و بدهی روی بدهی تلمبار می‌شد و سقوط پشت سقوط؟

این نام‌های و جایگاه‌های حقوقی برجسته کجای داستان بودند که در پنج سال رکورد تغییر مالکیت این تیم زده شد و بیشتر از ۱۵ بار جایجایی صورت گرفت. (از نجفی به گروه بهمن و از آنها به جهانی و بعد صیاد و سپس غلامی و بعد پورمحسن و دوباره غلامی و هیات فوتبال و مومنی و بعد بیات و تن زاده و نوین و بیات و کریمی و دوباره بیات و حیدری و ناظمی و آقازاده) وقتی سپیدرود دست به دست می‌شد آنها کجای کار بودند؟ چه طور وقتی سپیدرود در حال اوج گرفتن بود هر روز متولیان فوتبال و ورزش در پشیمانی صحنه حضور داشتند و خود را عامل موفقیت می‌دانستند اما سه سالی است که روزه سکوت گرفته‌اند و کسی خیالش نا آرام نیست که تنها تیم لیگ برتری گیلان به دسته اول و بعد دوم پرتاب شده و بدهی پشت بدهی برایش ساختند و اعتبارش را

آسیب زدند و کار به جایی رسیده که هر تازه از راه رسید‌های این گستاخی را پیدا می‌کند که خود را خواهان این تیم بداند و بانددک موجودی و اعتباری مدعی خریداری سپیدرود شود تا چاهی تازه برای این عزیزدرنده رشتی‌ها بکند!

تیمی با نداشتن‌های بسیار

سپیدرود را فصل گذشته با روش ابداعی و من در آوردی هیأت امنایی بدون دفاع به جنگ فرستادند و یک سال مهدی آقازاده مدیرعامل جوان و بازیکن پیشین این تیم با دست خالی به میدان رفت و علی رغم عدم صعود، کارنامه مالی و مدیریتی نسبتا قابل قبولی از خود بر جای گذاشت اما باید بدانیم که فقط یک بار می‌شود با یک راه حل اشتباه به جواب نیمه

درست رسید و دفعه‌های بعدی این فرمول جواب نخواهد داد!

امسال سپیدرود برای دومین سال متوالی باید در فراموشخانه لیگ دو نفس بکشد و بیشتر از دو ماه است که از پایان فصل پیشین گذشته و نه هنوز وضعیت مالکیت سپیدرود مشخص است و نه مدیرعامل و سرمربی و بازیکنانش معلوم است که چه کسانی می‌خواهند در این تیم بمانند؟

تیم پرهوادار مرکز استان همه‌ی نداشتن‌های عالم را این روزها یکجا دارد! سه سال است که از داشتن ورزشگاه محبوبش محروم است! سال هاست که مالک مشخصی ندارد! بودجه مصوب سالیان برایش رویایی دست نیافتنی است! عمر مدیریت مدیرانش گاه به چند هفته هم نمی‌رسد! هر سال سرمربی عوض می‌کند! بازیکنان ستاره و جوانش به سادگی فسخ می‌کنند و دیناری به باشگاه نمی‌رسد! برای امروز تا فردایش برنامه ندارد و یک چیز دارد که همیشه فقط آن را در تمام سن ۵۳ ساله اش داشته و آن هم فوج فوج هوادار عاشق و وفادار که جز به دوش کشیدن این غم بی پایان هیچ کاری از دستشان بر نمی‌آید!

سپیدرود این روزها نیازمند یک همت عمومی و یک اراده راسخ در میان همه‌ی مسؤولین استان است تا خیلی زود ابتدا دردش را تسکین دهند و بعد به جمع بزرگان فوتبال ایران برش گردانند که فوتبال ایران بدون سپیدرود همیشه یک چیزی کم دارد و به قول عاشقانش اگر سپیدرود بخشکد ماهی‌ها می‌میرند!

ممر درآمد هستند. آینده باشگاه و بازیکنان برای این افراد به هیچ عنوان مهم نیست و مانند پرونده‌های مشابه در فوتبال قصد تطمیع و ترغیب تعدادی از جوانان و سرمایه‌های سپیدرود رشت را دارند.

وی افزود: به این باشگاه‌ها و علی الخصوص بازیکنان آینده دار سپیدرود، هشدار می‌دهیم؛ چنانچه به هر طریق برای مدیریت و یا معاونت حقوقی باشگاه احراز شود(که با توجه به در دسترس بودن تمامی ابزارها و استعلامات به سادگی میسر است)بدون هیچ چشم پوشی یا مماشاتی بر علیه باشگاه‌های متخلف

احتمالی و همچنین بازیکن متخلف از قرارداد، اقدامات قانونی لازم سرعیا صورت می‌گیرد و باید شخصا پاسخگوی حقوق باشگاه سپیدرود، هواداران و آینده فوتبالی‌شان باشند.

عزیزی فرد گفت: فوتبال ورزش وحدت و دوستی بوده و در تمامی آیین نامه‌های داخلی و بین المللی فیفا بر رعایت صحیح روح فوتبال، فیروپلی، احترام به حقوق باشگاه‌ها و رفتار حرفه‌ای تاکید شده است. بازیکنان جوانی که به علت عدم تجربه لازم با استوری یا تطمیع برخی تیم‌های غیرحرفه‌ای و ناآگاه به قوانین روز فوتبالی از جمع باشگاه بزرگ و با قدمت ۵۳ ساله و آخرین تیم گیلانی حاضر در لیگ برتر فوتبال ایران خداحافظی و هواداران پرشمار را دل نگران می‌کنند.

وی تصریح کرد: آگاه باشند همانگونه که برای احقاق حقوق باشگاه سپیدرود رشت در پرونده محمد بلبلی با تمام ابزارهای لازم پیروز بودیم، برای احقاق حقوق این امانت مردمی از هیچ کوششی جهت پاکسازی این محیط غیرحرفه‌ای و به دور از روح فوتبال دریغ نخواهیم کرد. در آخر به هواداران عزیز و متعصب اطلاع می‌دهم بازیکنان سپیدرود همگی دارای قرارداد مشخص و حرفه‌ای بوده و حقوق بازیکنان طبق قرارداد پرداخت شده است. هیچ نگرانی برای هواداران و گریزی برای متخلفان احتمالی از چنگال عدالت محور قانون وجود نداشته و نخواهد داشت.

خارج از گود

حرف های تلخ بهترین مربی تاریخ ورزش ایران



بخش ورزش– هادی رضایی، سرمربی خوش فکر و پرافتخار تیم ملی والیبال نشسته می گوید از فضای به وجود آمده و توقعات بیش از حد خسته شده و نمی خواهد به کارش در این تیم ادامه دهد. او که همراه با این تیم هفتمین طلای پارالمپیکِی والیبال نشسته را در توکیو آن هم فقط با یک ست ساخته کسب کرد، در تمام ۹ دوره ای که ایران توانسته پارالمپیک روی سکو برود، به عنوان بازیکن، مربی یا سرپرست کنار ملی پوشان حضور داشته است.

دقایقی با هادی رضایی همکلام شدیم تا درباره اتفاقات و حواشی قبل، حین و بعد از پارالمپیک با او به صحبت بپردازیم. در ادامه مشروح صحبت های سرمربی تیم ملی والیبال و البته سرپرست کاروان ایران در پارالمپیک توکیو را در گفت و گو با «ورزش سه» می خوانید.

۱۸ روز در یک زندان بودیم!

پارالمپیک توکیو برای ما از دو جهت نسبت به دوره های قبلی متفاوت بود. اول از همه ماجرای کرونا بود که باعث شده بود پروتکل های سختگیرانه ای برای تیم ها و ورزشکاران در نظر گرفته شود. انگار ما در یک زندان بودیم و تیم ملی والیبال نشسته حدود ۱۸ روز به جز تمرین و مسابقه از دهکده بیرون نرفت. به هر حال این اتفاقات روی روحیه بازیکنان تاثیرگذار است و کار مربیان را به خاطر فشارهای روانی سخت تر می کند. مورد دیگری که نسبت به دوره های قبلی تفاوت داشت، تغییر سیاست کشورها در قبال پارالمپیک بود. شاید بیش از ۱۰۰ کشور از ۱۶۲ کشور شرکت کننده به دنبال کیفی گزایی بودند و برایشان کسب نتیجه در توکیو بسیار مهم بود. قبلا اما فضا اینطور نبود و خیلی ها هدف از برگزاری پارالمپیک را به یک شکل یک جنبش قلمداد می کردند.

بعد از قهرمانی گفتند چرا آن یک ست را واگذار کردید!

همیشه قهرمانی به آدم می چسبد. شاید برای اولین بار که به قله اورست صعود می کنید، هیجان زده هستید، اما صعودهای بعدی هم بدون هیجان نیست. ما ۲۰۰ روز اردو داشتیم و با یک سال تاخیر به توکیو رفتیم. واقعا این طلا به ما چسبید. از آن بیشتر نتیجه کلی کاروان عالی بود و خدا را شکر همه با موفقیت بازگشتند. اما جالب است برایتان بگویم که بعد از قهرمانی اولین سوال خبرنگاران از من این بود که چرا آن یک ست را واگذار کردید!

بهترین تیم تاریخ هستیم، اما نصف پاداش می گیریم

گفتن اینکه تیم ملی والیبال نشسته بهترین تیم تاریخ ورزش ایران است، شاید درست باشد، اما این توقع بیش از حد را روی دوش تیم می گذارد. هنوز به مسابقات نرفته بودیم همه می گفتند طلا را برای شما کنار گذاشتیم. جالب اینکه می گویند شما بهترین تیم جهان و بهترین تیم ورزش ایران هستید، اما پاداش بچه های ما نصف دیگر ورزشکاران است! البته که من هم معتقدم تیمی که به توکیو رفت، تیم بهتری نسبت به تیم هایی بود که در ۶ دوره قبلی قهرمان پارالمپیک شده بودند. ما واقعا سرعتی ترین تیم مسابقات بودیم و در پاس های کوتاه و دوپل پشت خط فوق العاده عمل کردیم.

نباید این تیم را رها کرد

نمی توان گفت که موفقیت های والیبال نشسته تا کجا ادامه دارد. این تیم اگر رها شود، دیگر به جایی نخواهد رسید. از همین حالا باید برنامه ریزی سه ساله برای پارالمپیک بعدی داشته باشیم. دو ماه دیگر مسابقات قهرمانی آسیا برگزار می شود و اواخر سال هم مسابقات قهرمانی جهان است که حکم ورودی پارالمپیک پاریس را دارد، انجام خواهد شد.

قیافه من برای خیلی ها تکراری شده!

من گفتم دیگر نیستم چون فکر می کنم قیافه من برای خیلی ها تکراری شده است و همه از من توقع دارند. از خبرنگاران بگیر تا دوستان و بازیکنان قدیمی ام که انتظار دارند روی نیمکت تیم ملی بنشینند. این ها فشارهای مضاعفی را روی من می گذارد. بحث اختلاف وجود ندارد و من بیش از حد خسته هستم. از سوی دیگر حرف و حدیث ها هم اذیتم می کند.

مگر مهرزاد یک تنه می تواند تیم را قهرمان کند؟

مرتضی مهرزاد بازیکن خوبی است و در این دوره نیز به عنوان بهترین بازیکن مسابقات انتخاب شد، اما توجه بیش از حد به او هم خودش و هم سایر بازیکنان را اذیت می کند. تیم ما ۱۲ بازیکن دارد. اگر دریافت کننده یا پاسور خوب نداشته باشیم، مگر مهرزاد می تواند اسپیک بزند؟ با یک نفر تیم قهرمان نمی شود. ما ۱۲ ستاره داشتیم که در راس آن من باید از داوود علی پوریان تشکر کنم که یک ستاره بی بدیل بود. ما سه دوره کاپیتان این تیم بودم، اما از نظر من او کاملترین بازیکن تاریخ والیبال نشسته ایران است. وقتی می بینیم بعد از مسابقه از ۲۰ خبرنگار ۱۸ نفر می خواهند با مرتضی مهرزاد صحبت کنند، باید این فضا مدیریت شود تا خود او هم ضربه نخورد.

چرا باید ورزشکاری اعزام کنیم که به خط پایان نرسد!؟

در پایان هم دوست دارم درباره عملکرد خوب کاروان ایران در پارالمپیک صحبت کنم. من سرپرست کاروان بودم و ما در این دوره تصمیم گرفتیم یک کاروان کیفی را اعزام کنیم که نتیجه اش را هم دیدیم. وقتی ۵۰ نفر می‌روند به قله صعود کنند، شاید فقط ۴ نفر بتوانند، پس ما دلیلی ندارم آن ۴۶ نفر باقی را هم با خود ببریم. ما باید در بخش المپیک و پارالمپیک هزینه کنیم، اما برای کیفی گزایی. هزینه های دیگر باید در بخش جوانان و استعدادیابی صورت بگیرد؛ نه اینکه ورزشکار اعزام کنیم تا از بین ۶۴ نفر در رده ۶۳ قرار بگیرد یا اینکه یک نفر را اعزام کنیم که فقط افتخار حضور در چهارمین المپیک نصیبش شود یا اینکه یک نفر اصلا به خط پایان نرسد! واقعا دلیل این افراد منطقی دارد؟